Archive of SID

FASLNAMEH-YE AKHLAGH
A RESEACH EXTENSION QUARTERLY
VOL5, SUMMER 2015, NO.18

فصلنامهٔ علمی ـ ترویجی اخلاق
س۵، ش۱۸، تابستان ۱۳۹۴
صفحات ۶۶ ـ ۳۷

راهکارهای گریز از گرداب فتنه از دیدگاه *نهج‌البلاغه*

فرزاد دهقانی *

چکیده

جوامع انساني ممکن است با گذشت زمان و با توجه به شرایط خاص خود، با پدیده‌هاي مخرب اجتماعی در شکل‌های متفاوت روبه‌رو شوند. از جملهٔ این آفت‌ها فتنه است که در آن، فضا به سبب آمیخته‌شدن حق و باطل، غبارآلود و گمراه‌کننده می‌شود. این فضا نیاز به شناخت دارد تا بتوان راهکارهای گریز از آن را از تعالیم اسلامي استخراج کرد و در زمان فتنه‌ها به‌کار بست.

در تعالیم اسلامی برای درامان‌ماندن و خروج از گرداب فتنه، راهکارهای زیادی ارائه شده است. *نهج‌البلاغه* به‌عنوان اخ‌القران از سوی کسی که خود را قرآن ناطق معرفی می‌کند و فتنه‌هایی را تجربه کرده است که نظام نوپای اسلام را تهدید می‌کرد و توانست به سلامتی از آن‌ها عبور کند، می‌تواند بهترین منبع برای دریافت این راهکارها باشد. این مقاله به این مهم در سه حوزهٔ اعتقادی

* - دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

Farzaddehghani91@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۱۳
تاریخ تایید: ۱۳۹۳/۰۸/۲۷

www.SID.ir

Archive of SID

(تمسك به قرآن، تمسك به اهل بيت عليهم‌السلام، تقوا)، حوزۀ اخلاقي (پرهيز از غرور و رفاه‌طلبي، پرهيز از فخر و برتری‌جويي، پرهيز از خوردن مال حرام، پرهيز از كينه‌كشـی، پرهيـز از كارهـای ناپسـند و پـيش خـدا مظلـوم حاضرشـدن)، حوزۀ رفتاری (افزايش بصيرت، ثابت‌قدم‌بودن بر مبنای اعتقادی، حفظ وحدت و پيرو قوانين الهي بودن، دوری از صف فتنـه‌گران، پيروی‌نكـردن از خطـوات شيطان) می‌پردازد.

واژه‌های كليدی

فتنه، راهكار، جامعه، تقوا، بصيرت، نهج‌البلاغه.

مقدّمه

تاريخ چشم‌انداز عبرت است، چشم‌اندازی كه جلوه‌های زندگی بشر را در خود جای داده است؛ فـراز و فرودهـای جوامـع بشـری را بـه تصـوير می‌كشـد و درعين‌حال درس‌ها و عبرت‌هايی را عرضه می‌دارد كه انسان همواره می‌توانـد از آن‌ها بهره گيرد؛ چراكه با همۀ گوناگونی حوادثی كـه در گسـترۀ زمـان رخ می‌نمايد، همواره دسته‌ای از سنت‌ها بـر زنـدگی انسـان‌ها و اجتمـاع انسـاني جريان دارد و به‌راحتی می‌توانيم مصداق‌های فراوانی از آن را در طول تـاريخ بيابيم. جريان اين سنت‌ها علاوه برزمان، پهنۀ مكان را نيز درمی‌نـوردد؛ يعنـي اين‌گونه نيست كه تنها در زيستگاه تاريخی قوم و نژاد خاصی جريان يابند.

بشر هر جا بوده، در كنار برخي وجوه تمايز، هميشه از درون نظاره‌گر جدال غرايز و فطرت خود بوده و در بيرون، نبرد هدايتگران و ظالمـان را در جوامـع ديده است. دوران امام علی عليه‌السلام نمونۀ بارزی است كه در آن دوران، فتنـه‌هايي

www.SID.ir

Archive of SID

رخ داد که از هواهای نفساني سرچشمه می‌گرفت و منجر به جنگ‌های جمل و صفیّن و ... شد.

تعریف فتنه

واژهٔ فتنه از مادهٔ «فَتَنَ» بوده و در معانی زیادی به‌کار رفته است؛ راغب می‌نویسد:

فتنه از افعالي است که هم از خدای تعالی و هم از بندگان است، مثل: بلیه، قتل، عذاب و غیر اینها از افعال ناپسند و کریه. هرگاه فتنه از خدای تعالی باشد به‌مقتضای حکمت است و اگر فتنه از انسان، بدون امر و حکم خدا سر بزند، نقطهٔ مقابل حکمت الهي است، لذا خداوند انسان را در ایجاد انواع فتنه‌ها در هرجا و مکان مذمت می‌کند. (راغب،۳/ ۱۲-۹)

صاحب *لسان‌العرب* آن را عذاب و امتحان معنا کرده است. (ابن‌منظور، ۱۴۲۵:/۱۳۷۱) در نظر علامه طباطبايي:

فتنه به معنای هر عملی است که به‌منظور آزمایش حال چیزی انجام گیرد. (طباطبايي، ۸۹/۲)

صاحب *مجمع‌البیان* می‌گوید:

فتنه در فرهنگ واژه‌شناسان به‌معنای آزمودن و امتحان است؛ اما در آیات قرآن به مفهوم عذاب، شرك و جلوگیری از دین‌داری و عمل به مقررات دین به‌کار رفته است. (طبرسي،۱ و۲/ ۶۸۶.)

میرزایی آن را به‌معنای آشوب، هیجان، اغتشاش و گمراه‌کردن آورده است. (میرزایی، ۱۳۷۷: ۲)

از فتنه به‌خاطر تأثیراتی که بر فرد و اجتماع می‌گذارد، تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است، از جمله: «فتنه به حوادث پیچیده‌ای مي‌گویند که ماهیت آن روشن نیست، ظاهری فریبنده دارد و باطني مملو از فساد. فتنه

www.SID.ir

Archive of SID

جوامع انسانی را به بی‌نظمی، تباهي، عداوت، دشمني، جنگ و خونریزی، فساد اموال و اعراض می‌کشاند و از همه بدتر کنترل‌پذیر نیست.» (مکـارم شـیرازي، ۴/ ۲۳۶).

رهبر معظم انقلاب فتنه را حادثه‌ای غبارآلود معرفی می‌کنند:

فتنه، یعني حادثهٔ غبارآلودی که انسان نتواند بفهمد چه کسـی دوسـت و چـه کسی دشمن است و چه کسی با غرض وارد میـدان شـده و از کجـا تحریـك می‌شود. (موسسهٔ فرهنگي قدر ولایت، ۱۷۷)

آقای دستغیب می‌نویسد:

مراد از فتنه، ایجـاد آشـوب و سـلب آسـایش و آزادی و امنیـت از خـود و جمعیتی است و نیز اینکه دو یا چند نفر را به‌هم بیندازند و دودسـتگی ایجـاد کنند و مردم را در شکنجه و آزار قرار دهند. (دستغیب شیرازی، ۲/ ۳۸۳).

برخی آن را اضطراب‌ها و تزلزل درونی و باطنی و روحی تعریف کرده‌اند که در حوزهٔ باورهای دینی و نظام ارزشی فرد پیدا می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۰۳-۱۰۱)

برخی دیگر می‌گویند:

فتنه در دین یعنی اینکه کسانی تلاش می‌کنند و بـه شـیوه‌های شـیطانی و بـا القای شبهه‌های فکری و اعتقادی، باورهای دینی مردم را متزلزل و مضـطرب می‌کنند.» (شریفي، ۴۰)

ویژگی‌های فتنه

فتنه در ابتدا چهرهٔ حق‌به‌جانبی دارد و ساده‌اندیشان را به‌دنبال خود می‌کشاند و تا مردم از ماهیت آن آگاه شوند، ضربه‌های خود را بر همه چیـز وارد سـاخته است. فتنه‌ها، هیچ قانونی را به رسمیت نمی‌شناسند. ممکن است در شهری همه چیز را به آتش بکشد و در کنار آن شهر دیگری باشد که در امان بمانـد. فتنـه

www.SID.ir

Archive of SID

مانند گردباد است که همه چیز را با خود می‌چرخاند و گاه دیده شده است، گردبادهای سنگین، انسان‌ها، حتی اتومبیل را از جا می‌کنند و به آسانی می‌برند و به هرسو پرتاب می‌کنند! فتنه‌ها نیز با شخصیت‌های بزرگ اجتماعی، دینی، علمی و سیاسی و نیز با اموال مردم و سرمایه‌های جامعه، همین کار را می‌کنند. فتنه‌ها از اختلاف برمی‌خیزند و فضای جامعه را تیره‌وتار می‌کنند و نتیجه‌اش حوادث ناامنی است که همه چیز را نابود می‌کند. (مکارم شیرازی،۲۳۶/۴)

این سخنان همان تعبیر زیبای کلام امیر بیان، امام علی علیه‌السلام است که می‌فرمایند:

إِنَّ الْفِتَنَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ، وَ إِذَا أَدْبَرَتْ نَبَّهَتْ؛ يُنْكَرْنَ مُقْبِلات، وَ يُعْرَفْنَ مُدْبِرَات، يَحُمْنَ حَوْمَ الرِّيَاحِ، يُصِبْنَ بَلَداً وَ يُخْطِئْنَ بَلَداً؛ هنگامی که فتنه‌ها روی می‌آورد، به‌شکل حق خودنمایی می‌کند و هنگامی که پشت می‌کند [مردم را از ماهیت خود] آگاه می‌سازد. در حال روی‌آوردن ناشناخته است و به‌هنگام پشت‌کردن شناخته می‌شود؛ مانند گردبادها که به بعضی شهرها اصابت می‌کند و از بعضی شهرها می‌گذرد. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ۹۳)

امام علی علیه‌السلام در بیانی دیگر می‌فرمایند:

فِتَنٌ كَقِطَعِ الْلَّيْلِ الْمُظْلِمِ، لاَتَقُومَ لَهَا قَائِمَةٌ، وَ لاَتُرَدُّ لَهَا رَايَةٌ؛ فتنه‌هایی است همچون پارهٔ شب که هیچ‌کس نمی‌تواند در برابر آن بایستد و هیچ پرچمی از پرچم‌های آن به عقب رانده نمی‌شود.

و در تکمیل این معنا می‌افزاید:

تَأْتِيكُمْ مَزْمُومَةً مَرْحُولَةً: يَحْفِزُهَا قَائِدُهَا، وَ يَجْهَدُهَا رَاكِبُهَا؛ این فتنه به‌سوی شما می‌آید همچون شتری مهارشده و جهاز برپشت‌نهاده که زمامدارش آن را می‌کشد و سوارش آن را به سرعت می‌راند. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ۱۰۲)

هرکدام از جنگ‌های دوران امام علی علیه‌السلام نمونه‌ای بارز از فتنه است. در جنگ جمل ام‌المؤمنین عایشه همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سوار بر شتر به همراه طلحه و

www.SID.ir

Archive of SID

زبیر با سابقه‌های درخشان، بر اثر هوا و هوس آتش فتنه را برافروختند. فتنهٔ شامیان و جنگ صفین و ادعای واهی خونخواهی عثمان و بر سر نیزه کردن قرآن‌ها، نمونهٔ دیگری از این فتنه‌ها بود و هنوز شعلهٔ آن خاموش نشده بود که فتنهٔ سومی برخاست. گروهی از متنسکان جاهل و متعبدان بی‌فکر زیر پوشش «حکم، فقط حکم خداست»؛ «لاَحُکمَ الاَّ لله» آتش جنگ نهروان را برافروختند. دقت در این نمونه‌های عینی، تمام ویژگی‌های فتنه را که امام علیه‌السلام در این خطبه‌ها بیان کرده است، به‌صورت عملی به انسان می‌آموزاند.

انواع فتنه

برای آنکه آفت‌های اجتماعي دیر شناخته شوند و بسیاری از افراد جامعه که از سطح آگاهي متفاوتي برخوردارند، گمراه شوند، عاملانشان آن‌ها را در شکل‌های گوناگوني ارائه مي‌کنند. فتنه به‌عنوان یکي از آفت‌های مخرب جامعه از این قاعده مستثنا نیست و توسط سران فتنه و با توجه به شرایط و ضوابط جامعه و سطح آگاهي مردم و اهدافي که آنان دنبال مي‌کنند، در قالب‌هاي مختلفي ارائه مي‌شوند تا در هر سطح، افراد به‌خصوصي را به سوی خود جذب کنند. با توجه به این مسائل و مدت زمان تأثیر فتنه در جامعه، فتنه به دو دسته تقسیم‌بندی مي‌شود:

الف. فتنه‌های گذرا

فتنه‌هایي که به اصل و قانون ثابتی مستند نیستند و فقط می‌توانند از حوادث و تحولات استفاده کنند؛ لذا دیر یا زود جامعه را ترك مي‌کنند و شناختنشان برای مردمي که تا حدودی از خرد و آگاهي برخوردارند، آسان است.

www.SID.ir

Archive of SID

ب. فتنه‌های رسوبی

فتنه‌هايي كه با مهارت كامل، خود را وابسته به اصل و قانون ثابتی نشان مي‌دهند و می‌توانند زمان‌هایی طولانی، مغز و روان مردم جامعه را در اختیار بگیرند و می‌توانند حتی هوشیارترین انسان‌ها را مبهوت کنند و با گذشت زمان چه‌بسا به‌صورت فرهنگ ثابت جامعه درآیند. (جعفری،۱۶/ ۳۰۵)

مهم‌ترین شگردهای فتنه‌گران برای گسترش فتنه

افراد برای رسیدن به اهداف خود از راه‌های گوناگونی وارد عمل می‌شوند و راهکارهایی که انتخاب می‌شود، بستگی به هدف دارد؛ به‌تبع سران فتنه‌ها برای آنکه به اهداف شیطانی و پلید خویش دست یابند، با تکیه بر شعار «هدف وسیله را توجیه می‌کند» از هر راهکار و راهبردی برای پیشبرد اهداف شوم خود استفاده می‌کنند. امام علي علیه‌السلام در توصیف آن‌ها می‌فرمایند:

يَخْتِلُونَ بِعَقْدِ الْأَيْمَانِ وَ بِغُرُورِ الْإِيمَانِ؛ با سوگندها آنان را فریب می‌دهند و با تظاهر به ایمان، آن‌ها را گمراه می‌کنند. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۵۱)

حضرت در جایی دیگر می‌فرمایند:

قَوْمٌ شَدِيدٌ كَلَبُهُمْ قَلِيلٌ سَلَبُهُم؛ فتنه‌جویان کسانی هستند که ضربه‌های آن‌ها شدید و غارتگری آنان اندک است. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ۱۰۲).

باتوجه به این بیانات مهم‌ترین ابزارهای آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. استخدام قیافه‌هایی که در جامعه به خوبی و پاکیزگی و اخلاص شناخته شده باشند؛ مانند بعضي از افراد خوارج نهروان؛

۲. استخدام بهترین شعارها برای مردم آن جامعه؛ مثلاً اگر فقر مادی در آن جامعه حکم‌فرماست، شعار «ثروت قارون برای همه»؛

www.SID.ir

Archive of SID

۳. اگر فتنه‌گران با مردم ژرف‌نگر و مطلع روبه‌رو باشند، تا آنجا که مي‌توانند از اصول عالي و ارزش‌های انساني دم مي‌زنند و چنان فریاد و اعدلا، واحقا، واآزادیا، واپیشرفتا مي‌زنند و به‌طورکلي چنان فریاد واانسانا مي‌زنند که حتي مي‌توانند بعضي از انسان‌های دانشمند و آگاه و خردمند را هم به اشتباه بیندازند؛

۴. موقعیت گذشتهٔ جامعه و اصول حقوقي و سیاسي و اجتماعي و علمي و هنري و جهان‌بیني حاکم در آن را چنان بي‌امان و مطلق مي‌کوبند و چنان در کوبیدن، قیافهٔ حق‌به‌جانب از خود نشان مي‌دهند که ساده‌لوحان را وادار مي‌کنند حتي دربارهٔ بدیهي‌ترین اصول و قوانین طبیعي و قراردادی دوران گذشته به تردید بیفتند. (جعفری،۱۶/ ۳۰۲-۳۰۳)

گروه‌های مختلف مردم در برابر فتنه

هنگامي که فتنه‌ای در جامعه‌ای به‌وجود می‌آید، موضع‌گیری مردم در مقابل آن متفاوت است و نوع برخوردشان به میزان آگاهي و بصیرت آنان بستگي دارد. در میان توده‌های مردم کساني هستند که از سطح آگاهي کمي برخوردارند و از راه روشن منحرف مي‌شوند و چه‌بسا از مهره‌های کلیدی فتنه‌گران شوند. گروه دیگر افراد بینا هستند؛ یعني قدرت تشخیص حق از باطل را دارند و در برخورد با فتنه تأمل مي‌کنند. امام علي علیه‌السلام در توصیف افراد این گروه مي‌فرمایند:

إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدَداً وَاضِحاً يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي وَ الضَّلَالَ فِي المغاوی؛ و انسان بینا کسی است که به‌درستی شنید و اندیشه کرد، سپس به‌درستی نگریست و آگاه شد و از

www.SID.ir

Archive of SID

عبرت‌ها پند گرفت، پس راه روشني را پيموده و از افتادن در پرتگاه و گم‌شدن در کوره‌راه‌ها دوری کرد. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۵۳)

ايشان در جاي ديگر مي‌فرمايند:

كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ لَاظَهْرٌ فَيُرْكَبَ وَ لَا ضَرْعٌ فَيُحْلَب؛ در فتنه همچون شتربچه باش، او را نه پشتی است که سوارش شوند و نه پستانی که از او شیر دوشند. (*نهج‌البلاغه*، حکمت ۱).

بنابر اين بيانات، مردم در برخورد با فتنه به سه دسته تقسيم مي‌شوند:

۱. ساده‌لوحانی که مبناي زندگي و اراده‌ها و تصميم و هدف‌گيری آن‌ها براساس «کشمش و غوره» است، با کشمشی گرمشان و با غوره‌ای سردشان می‌شود؛

۲. مردمانی که از آگاهی مفيد در زندگی برخوردارند و يك کشمش يا يك غوره نمی‌تواند آنان را دگرگون کند؛ ولی باغی از کشمش و غوره می‌تواند در دگرگون‌کردن وضع آنان مؤثر واقع شود؛

۳. جمعی ديگر وجود دارند که بيدارتر و هوشيارتر از آن هستند که در بروز فتنه‌ها عناصر معرفتی و اختياری شخصيت خود را ببازند؛ بلکه تا حدود زيادی می‌توانند به تحليل و ترکيب قضايايی بپردازند که فتنه با خود آورده است؛ البته اينان در اقليت اسف‌انگيزند. (جعفری، ۱۶/ ۳۰۴)

راهکارهای رهايی از گرداب فتنه

آن‌گاه که آتش فتنه در جامعه برافروخته می‌شود، خودی و غيرخودی، کوچك و بزرگ، پدر و پسر، مراد و مريد، عالم و جاهل، زاهد و فاجر، همه و همه از يکديگر شناخته نمی‌شوند و هيچ‌کدام در جايگاه حقيقی خود قرار ندارند.

www.SID.ir

Archive of SID

آن‌چنان آشفتگي سراسر جامعه را فرامی‌گیرد که گریـز از آن بسـیار دشـوار و سخت می‌شود.

در چنین اوضاع و احوالی و در این روزگار، کسـانی نجـات می‌یابنـد کـه افزون بر شناخت ابعاد وسیع و گستردهٔ فتنـه، راهکارهـای گریـز و نجـات را فراگرفته باشند و پیشاپیش، خود را برای رویارویی با آن مهیا سازند. گریـز از فتنه نه به این منظور که در هنگامهٔ فتنه‌ها کناره‌گیری کنیم و از ایـن راه دیـن و ایمان خود را حفظ کنیم؛ بلکه به این معناست کـه در زمـان بـروز فتنـه‌ها کـه فتنه‌گران درصددند از اعتقادات مذهبي و قومي و سـنت‌ها بهره‌گیـری کننـد و مردم را به سوی خود جلب کنند و آن‌ها را نردبان پیروزی خود قرار دهند، نـه استثمار و نه استحمار شویم؛ بلکه هوشیار باشیم، فتنه‌گرها را بشناسیم، حق را دریابیم و امکان بهره‌برداری مذهبي و مادی را به دشمنان ندهیم. بنابراین برای دانستن راه‌های رهایي از فتنه باید از تجربـه‌های گذشـتگان و گفتـار و رفتـار امامان و پیشوایان خود بهره بگیریم و گام‌هایي را در این راسـتا بـرداریم. ایـن گام‌ها از دیدگاه امام علي علیه‌السلام در سـه حـوزهٔ مختلـف برداشـته می‌شـود کـه عبارت‌اند از:

۱. حوزهٔ اعتقادی

۱.۱. اهتمام و تمسک به قرآن مجید

بی‌شك قرآن کریم بیرون‌برندهٔ انسان از تاریکي و ضلالت‌ها و پیش‌برندهٔ او به‌سوی روشنی و نور است. کتابي است هدایت‌آفرین و سعادت‌بخش؛ بـه‌همین دلیل خدای متعال در بسیاری از آیات، قرآن را مایهٔ هدایت دانسته اسـت و آن را «شفاء» و «رحمت» برای مسلمانان معرفی می‌کند؛ از جملـه می‌فرمایـد: ﴿**وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لاَ يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلاَّخَسَاراً**﴾؛ «و

www.SID.ir

Archive of SID

ما آنچه برای مؤمنان مایهٔ درمان و رحمت است، از قرآن نازل می‌کنیم و[لی] ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید.» (اسراء/۸۲)

در فضای فتنه، یعني در فضايي كه حق و باطل به‌هم آميخته شده است و گردوغبار چنان برهوا برخاسته که نه راه حق را می‌توان تشخیص داد و نه جاده‌های انحرافی را، باید به قرآن تمسك جست. پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در این‌باره مي‌فرمايند:

فَإِذَا الْتَبَسَتْ عَلَيْكُمُ الْفِتَنُ كَقِطَعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ؛ آن‌گاه که فتنه‌ها مانند پاره‌های شب ظلمانی، همه‌جا را فراگیرد و از هر سو احاطه کند، شما باید به قرآن پناه ببرید. (كليني،۵۹۹/۲)

قرآن میثاق و منشور وحدت تمامی مسلمانان است که تمسك و اهتمام به آن مي‌تواند به‌عنوان گامی راسخ و استوار، آتش فتنه‌ها را خاموش کند و برادری و الفت را به‌میان مسلمانان بازگرداند.

آری، درمان انواع بیماری‌های اخلاقي و انحرافات فکری و مشکلات اجتماعی در قرآن است و درواقع آن کسي که قرآن دارد و با قرآن همراه است، همه چیز دارد؛ اینها بیان امام علي علیه‌السلام است که می‌فرمایند:

فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَائِكُمْ وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأْوَائِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النِّفَاقُ وَ الْغَيُّ وَ الضَّلَال؛ برای درمان بیماری‌های خود از قرآن شفا بطلبید و برای پیروزی بر شدائد و مشکلات، از آن یاری بجویید؛ چراکه در قرآن شفای سخت‌ترین بیماری‌ها یعنی کفر، نفاق و جهل و گمراهی وجود دارد. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ۱۷۶).

به این ترتیب امام علي علیه‌السلام قرآن را وسیلهٔ حل مشکلات و درمان بیماری‌های اخلاقی و اجتماعي و معنوی می‌شمارد.

مراد از تمسك و توسل به قرآن، توسل و عشق و محبت خالي از عمل نیست؛ آنچه مهم است و سبب درمان این بیماری‌های اخلاقي و اجتماعي و

www.SID.ir

Archive of SID

اعتقادی می‌شود، آگـاهي بـر مضـامين آيـات و به‌کاربسـتن آن‌هـا اسـت. (مکـارم شیرازی،۶/ ۵۵۶-۵۵۷) پس اگر در فضای فتنه، اندیشه‌ها و افکار متضـاد را بتـوان به‌درستي بر قرآن عرضه کرد، آنگاه مي‌توان حق و باطلِ آن‌ها را تشخیص داد.

۲.۱. تمسک به اهل بیت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿**وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّـهِ جَمِيعـاً وَ لاَ تَفَرَّقُـوا**﴾؛ «و همگـی بـه ریسـمان خـدا چنـگ زنیـد و پراکنـده نشـوید.» (آل‌عمران/۱۰۳)

مفسران در تفسیر «حبـل‌الله» آراء گونـاگونی ذکـر کرده‌انـد؛ عـده‌ای آن را «قرآن کریم» (گنابادی،۲۸۸/۱) برخي «دین اسلام» (حسینی شـیرازی،۷۴/۱) و گروهي دیگر «حبل‌الله» را به «اهل‌بیت» (حسینی استرآبادی،۱۲۲/۱) تفسیر کرده‌اند. علامه طباطبايي با توجه به آیهٔ ﴿**وَ كَيْفَ تَكْفُرُونَ وَ أَنْـتُمْ تُتْلَـى عَلَـيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَ فِيكُمْ رَسُولُهُ وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِـرَاطٍ مُسْـتَقِيمٍ**﴾؛ «و چگونه کفر می‌ورزید با اینکه آیات خدا بر شما خوانـده مـی‌شـود و پیـامبر او میان شماست؟ و هر کس به خدا تمسك جوید، قطعاً به راه راست هدایت شـده است.» (آل‌عمران/۱۰۱) ذیل آیهٔ ۱۰۳ آل‌عمران مي‌نویسد:

«مراد از اعتصام به «حبل‌الله» تمسك بـه قـرآن و سـنت اسـت.» (طباطبـايي، ۳/ ۵۷۲. با تلخیص)

از آن‌جایی که یکي از تعالیم ارزشمند پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله توجه‌دادن مسلمانان بـه پیـروی از اهل‌بیت علیهم‌السلام و همسنگ‌دانستن عترت با قرآن است، می‌توان مراد از «حبـل‌الله» را تمسك به قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام دانست. (علیرضا حیدری،۱۳۰/ ۱۳۳)

اهل‌بیت علیهم‌السلام در مقام ثقل اصغر و مفسـر و مبـیّن قـرآن، همـواره مـدخلي مطمئن برای تمسك به قرآن و گریز از گمراهي و ضـلالت‌ها به‌شـمار مي‌آینـد. امام علي علیه‌السلام خاندان رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله را چنین معرفی می‌کنند:

www.SID.ir

Archive of SID

هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِين؛ آن‌ها اساس دین و ستون‌های استوار یقین هستند. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۲)

نهج‌البلاغه با بیان‌های مختلف، یکي از راه‌های درامان‌ماندن ازآسیب‌های فتنه را تمسك به اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌عنوان نزدیك‌ترین افراد به آن حضرت و یاران و گنجینه‌های علم و ابواب رسالت می‌داند و می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ شُقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفُنِ النَّجَاة؛ ای مردم! امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات بشکافید. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ۵)

بنابر روایت مشهور و معروف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که می‌فرمایند:

إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمِثْلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِق؛ همانا مثل خاندان من در میان شما به کشتی نوح می‌ماند که هرکس بر آن سوار شد، نجات یافت و هرکه از آن بازماند، غرق شد. (ری‌شهری، ۱،ح ۲۵۶/۹۲۸)

منظور از کشتی نجات، اهل‌بیت علیهم‌السلام هستند که برای رهایی از فتنه باید به آن‌ها تمسك جست و منظور از تمسك به آن‌ها این است که هرآنچه آن‌ها مي‌گویند، گوش کنیم، نه آنچه خود می‌خواهیم.

۳.۱. عمل براساس یقین (تقوا)

انسان برای رهایی از طوفان وهمگین و گمراه‌کنندهٔ فتنه، نیازمند شناخت «حق و باطل» است؛ اما مشکل اینجاست که او در بسیاری از مواقع دچار وهم می‌شود؛ باطل را حق می‌پندارد و وهم را حقیقت. در چنین مواقعی، انسان به دید و درك نیرومند و روشن‌بیني شگرف و نورانیت فوق‌العاده‌ای نیازمند است تا به یاری آن، دیده‌اش حقیقت‌یاب شود. این قوهٔ نیرومند و بصیرت‌بخش «تقوا» است.

www.SID.ir

Archive of SID

معمولاً چنین فرض می‌شود که تقوا یعنی «پرهیزگاری» و بـه‌عبارت دیگـر تقوا یعنی روش عملی منفی. هرچه اجتناب‌کاری و کناره‌گیری بیشتر باشد، تقوا کامل‌تر است؛ درحالی‌که تقوا «مصونیت است، نه محدودیت». تقـوا از دیـدگاه امام علي علیه‌السلام «نیرويي است روحی، نیرویی مقدس و متعالي که منشاء کشش‌ها و گریزهایی است، کشش به سوی ارزش‌های معنوی و فوق‌حیوانی و گریـز از پستی‌ها و آلودگی‌های مادی.» (مطهری،۲۰۶)

امام علي علیه‌السلام در توصیف تقوا چنین مي‌فرمایند:

أُوصِيكُمْ عِبَادَ اللهِ بِتَقْوَى اللهِ فَإِنَّهَا الزِّمَامُ وَ الْقِوَامُ فَتَمَسَّكُوا بِوَثَائِقِهَـا وَ اعْتَصِـمُوا بِحَقَائِقِهَا تَؤُلْ بِكُمْ إِلَى أَكْنَانِ الدَّعَةِ وَ أَوْطَانِ السَّعَةِ وَ مَعَاقِلِ الْحِرْزِ وَ مَنَازِلِ الْعِز؛ ای بندگان خدا شما را به تقوای الهی وصیت می‌کنم؛ زیرا تقـوا مهـار اسـت و همچون ستون است؛ پس به بندهای استوار آن بیاویزید و به حقایق آن دست اندازید تا شما را به مواضع آسایش و جاهای فراخ و حصـارهای محفـوظ و منزل‌های عزت برساند. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ۱۹۵).

امام علی علیه‌السلام نقش تقوا را بـه‌هنگام فتنـه، همچـون چراغـي در ظلمت‌هـا می‌داند و چنین بیان می‌کند:

وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً مِنَ الْفِتَنِ وَ نُـوراً مِـنَ الظُّلَـمِ؛ بدانیـد کسی که تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه خروج از فتنه‌ها و چـراغ هـدایتي در ظلمت‌ها در اختیار او قرار می‌دهد. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ۱۸۳)

همچنین ایشان در مکانی تقوا را عامل پیشگیری از افتادن در شبهات که از جمله ریشه‌های فتنه است، معرفی می‌کند:

حَجَزَتْهُ التَّقْوَى عَنْ تَقَحُّـمِ الشُّـبُهَاتِ؛ تقـوا و خویشـتن‌داری او (انسـان) را از سقوط در شبهات نگه می‌دارد. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ۱۶)

حضرت در جایی دیگر، ضمن تعریف شبهه، تقوا را عامـل رهایی‌دهنـده از شبهات می‌داند و می‌فرماید:

www.SID.ir

Archive of SID

وَ إِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبْهَةُ شُبْهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ فَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللهِ فَضِيَاؤُهُمْ فِيهَا الْيَقِين؛ شبهه را برای این شبهه نامیده‌اند که به حق شباهت دارد؛ اما نور هدایت‌کنندهٔ دوستان خدا در شبهات، یقین است. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ۳۸)

در میان آثار بي‌شمار تقوا دو اثر چشم‌گیرتر است؛ یکي روشن‌بینی و بصیرت و دیگری توانایی بر حل مشکلات و خروج از تنگی‌ها و شدائد؛ این همان تعبیر کلام زیبای امام علي علیه‌السلام است که می‌فرمایند:

وَ جِلَاءُ عَشَا أَبْصَارِكُمْ؛ و تقوا روشنایي‌بخش تاریکي چشم‌هاست. وَ أَمْنُ فَزَعِ جَأْشِكُمْ؛ و تقوا امنیت در ناآرامی است. (*نهج‌البلاغه*، خطبه۱۹۸)

با چنین سلاح و زرهی چگونه فتنه‌گران توان مقابله دارند؟ این است تقوا و این است که تقواپیشه‌گان رستگارند و در دامن فتنه قرار نمی‌گیرند و آلت دست فتنه‌گران نمی‌شوند.

۲. حوزهٔ اخلاقی

۱.۲. پرهیز از مغرورشدن به نعمت و رفاه‌طلبی

کلید سعادت، بیداری و تیزهوشي و منشأ شقاوت، غفلت و غرور است. «غرور عبارت است از سکون و آرامش نفس به چیزي که با هوایش موافق است و طبعش با شبهات و دغدغه‌های شیطان، به آن مایل شده است.» (شبرّ، ۳۱۷)

مَنِ اسْتَغْنَى فِيهَا فُتِن؛ کسی که ثروتمند شود فریب می‌خورد. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۸۲)

آری، یکی از ثابت‌ترین اصول حیاتِ طبیعی بشری که بویی از «حیات معقول» نبرده است، گمراهي و طغیانگری در موقع احساس بی‌نیازی است و این دو ملازم همدیگر هستند. این اصل در قرآن مجید با کمال صراحت چنین گوشزد شده است: ﴿**كَلاَّ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَى*أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَى**﴾؛ «حقّاً که انسان سرکشی می‌کند، همین که خود را بی‌نیاز می‌پندارد». (علق/۶و۷)

www.SID.ir

Archive of SID

امام علي علیه‌السلام در *نهج‌البلاغه* آیندهٔ وخیمي را پیشگویی می‌کند که ناشی از مستی نعمت است و می‌فرمایند:

ذَاكَ حَيْثُ تَسْكَرُونَ مِنْ غَيْرِ شَرَابٍ بَلْ مِنَ النِّعْمَةِ وَ النَّعِيم؛ و آن روزگاری که بدون نوشیدن شراب مست می‌شوید، بلکه با فراوانی نعمت‌ها و نعمت‌دهنده است که مست می‌شوید.» (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۸۷)

بنابراین انسان باید از مغرورشدن به مال و منال و مقام و حتی سلامتی و غرق‌شدن در آن‌ها پرهیز کند؛ چراکه هرقدر انسان در خوشي‌ها فرو رود و به عوامل دنیایی وابسته شود به‌همان میزان امکان لغزش و فریبش بیشتر خواهد بود. به‌همین‌خاطر علي علیه‌السلام در قالب پند می‌فرمایند:

فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النِّعْمَةِ؛ از مستی حاصل از نعمت بپرهیزید. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۵۲)

چنانکه پیدایش فتنه‌ها و بروز حوادث مانند از میان‌رفتن گروهي و نابودشدن جماعتی، نتیجهٔ آمادگي برای نزول بلا و فراموشی از یاد خدا و سرگرم‌شدن به نعمت‌ها و لذت‌های دنیا است. (ابن‌میثم، ۴۷۱/۴)

اگر علی علیه‌السلام مي‌تواند در مقابل همهٔ قدرتمندان عرب و دشمنان بایستد و بگوید اگر همهٔ عالم برضد من حرکت کنند من به آن‌ها پشت نمی‌کنم، برای این است که علی علیه‌السلام بارها دنیا را طلاق گفته و کفش پارهٔ خود را به حکومت ترجیح داده است.

۲.۲. پرهیز از فخر و برتری‌جویی (کبر)

کبر از نتایج و ثمرات عُجب (بزرگ‌داشتن نعمت و تکیه بر آن و فراموش‌کردن نسبت نعمت با نعمت‌دهنده) است که در تعالیم اسلامي از صفات رذیله شمرده شده و نکوهش شده است. کبر عبارت است از:

www.SID.ir

Archive of SID

احساس راحتي و اعتماد و تكيهٔ انسان بر اينكه خود را از ديگران برتر می‌داند. (شبر، ۲۷۵)

امام علی علیه‌السلام در *نهج‌البلاغه* ما را از تكبر و خودپسندی برحذر می‌دارد و می‌فرمايند:

فَاللهَ اللهَ فِي كِبْرِ الْحَمِيَّةِ وَ فَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّهُ مَلَاقِحُ الشَّنَئَانِ وَ مَنَافِخُ الشَّيْطَانِ؛ خدا را! خدا را! از تكبر و خودپسندی و از تفاخر جاهلی بر حذر باشيد كه جايگاه بغض و كينه و رشد وسوسه‌های شيطانی است. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۹۲)

در جايی ديگر فاخر و برتری‌جويي را به راه خطرناكي تشبيه می‌كنند كه بايد هرچه زودتر از آن كناره‌گيری كرد و می‌فرمايند:

وَ ضَعُوا تِيجَانَ الْمُفَاخَرَةِ؛ و تاج‌های تفاخر و برترجويی را از سر بنهيد. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۵)

در واقع امام علی علیه‌السلام در اين سخن گوهربارش انگشت بر نقطهٔ اصلي دردهای جانكاه جامعهٔ بشری می‌گذارد. هميشه جنگ‌های خونين و اختلاف و كشمكش‌ها و كشت‌وكشتارها و ناامنی‌ها از برترجويي‌ها و تفاخرها سرچشمه مي‌گيرد و اگر اين بت شكسته شود، بيشتر مشكلات جوامع بشری حل خواهد شد و دنيا امن و آرام می‌شود. (مكارم شيرازی، ۱/ ۴۳۸) امام علی علیه‌السلام طی نامه‌ای به مالک اشتر، فرماندار مصر، درمان تكبر را چنين بيان می‌كنند:

وَ إِذَا أَحْدَثَ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ أُبَّهَةً أَوْ مَخِيلَةً فَانْظُرْ إِلَى عِظَمِ مُلْكِ اللهِ فَوْقَكَ وَ قُدْرَتِهِ مِنْكَ عَلَى مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ يُطَامِنُ إِلَيْكَ مِنْ طِمَاحِكَ وَ يَكُفُّ عَنْكَ مِنْ غَرْبِكَ وَ يَفِيءُ إِلَيْكَ بِمَا عَزَبَ عَنْكَ مِنْ عَقْلِكَ؛ و اگر با مقام و قدرتی كه داری دچار تكبر يا خودبزرگ‌بينی شدی، به بزرگی

www.SID.ir

Archive of SID

حکومت پروردگار که از حکومت تو برتر است بنگر که تو را از آن سرکشی نجات می‌دهد و تندروی تو را فرو می‌نشاند و عقل و اندیشه‌ات را به جایگاه اصلی بازمی‌گرداند. (*نهج‌البلاغه*، نامهٔ۵۳)

۳.۲. پرهیز از خوردن مال حرام

توجه به فرمان حق و احکام الهی و حلال و حرام او، دل‌ها را آمادهٔ پذیرش حق و وفاداری نسبت به آنان می‌سازد و بی‌توجهی به آنها زمینه را برای درفتنه‌افتادن و بدعاقبتي فراهم می‌کند. حرام‌خواری منشاء هر شر و فسادی است و مراد از خوردن مال حرام، مطلقِ تصرف است؛ خواه به مصرف خوردن و آشامیدن برسد یا به مصرف لباس و مسکن و ... . حرام‌خواری تأثیرات منفی زیادی هم بر جسم و هم بر روح دارد، از جمله قساوت قلب مي‌آورد. وقتي قلب کدر و تیره شد دیگر پند و اندرز در او اثر نمی‌کند و آن وقت است که فتنه‌ها برپا می‌شود؛ مانند حادثهٔ کربلا که امام حسین علیه‌السلام علت اثرنکردن پندشان را لقمه‌های حرام می‌دانند.

امام علی علیه‌السلام این خطر را به ما هشدار می‌دهد و می‌فرماید:

وَ لَاتُدْخِلُوا بُطُونَكُمْ لُعَقَ الْحَرَامِ فَإِنَّكُمْ بِعَيْنِ مَنْ حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَعْصِيَةَ وَ سَهَّلَ لَكُمْ سُبُلَ الطَّاعَةِ؛ در شکم‌های خودتان لقمه‌های حرام جای ندهید؛ زیرا خدا نافرمانی را برایتان حرام کرده و راه اطاعتش را آسان گردانیده است. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۵۱)

حضرت علی علیه‌السلام به ما می‌آموزاند که برای گریز از اسارت فتنه‌ها از لقمه‌های حرام بپرهیزیم؛ زیرا لقمهٔ حرام هم از نظر جسمی و هم از نظر روانی، انسان را آلوده می‌کند، او را به فساد و گناه متمایل می‌سازد، همچنین شخص را به‌سوی ظلم و استثمار سوق می‌دهد؛ زیرا برای آن شخص لقمهٔ حرام یا راه

www.SID.ir

Archive of SID

مشروع و نامشروع تفاوتی ندارد؛ در حالي‌که خداوند معصیت را حرام کـرده و راه اطاعت را گشوده است.

۴.۲. پرهیز از کینه‌کشی و کارهای ناپسند

کینه به‌دل‌گرفتن از خصلت‌های مذموم در اخلاق اسلامی اسـت کـه زمینه‌سـاز اختلاف و تفرقه می‌شود و نفس قدسي انساني را بیمار می‌کند و همیشه روح، از آن در آزار است. این خصلت همان‌گونه که مانع حرکت دل به سـوی کمـال اسـت، از خردورزی و عقلانیت آدم‌ها نیز جلوگیری می‌کنـد. کینـه‌توزی در جامعـه، فتنـه و آشوب مي‌آفریند و هرگاه بر شمار کینه‌توزان افزوده شود، این دشمنی بـه بیمـاری تبدیل خواهد شد و زندگی و پیشرفت جامعه را به شدت تهدید می‌کند.

علی علیه‌السلام از آثار شوم کینه‌کشي خبر می‌دهد و می‌فرمایند:

وَ لَاتَبَاغَضُوا فَإِنَّهَا الْحَالِقَة؛ با یکدیگر دشمنی و کینه‌توزی نداشـته باشـید کـه نابودکنندهٔ هر چیزی است. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۸۶)

کینه‌توزی از عواملی چون سخن‌چینی، شوخی‌های بیش از حد و ... نشئت می‌گیرد. بنابر فرمایش مولای متقیان که می‌فرمایند:

وَ احْـذَرُوا بَوَائِـقَ النِّقْمَـةِ؛ از بـلای کینـه و کارهـای ناپسـند دوری کنیـد. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۵۱)

بایستي از هر واکنش و عملي که اسباب کدورت و کینه می‌شود، خودداری کرد؛ چراکه وحدت مسلمین که ضامن پیروزی بر کفر و شیطان است، با ایجـاد الفت و صمیمیت امکان دارد.

۵.۲. پیش خدا مظلوم حاضرشدن

ماندن با حق و ماندن با امام که محور حق است و وفاداری‌کردن، مظلومیت دارد. صبرکردن با امـام و جبهـهٔ حـق، خون‌دل‌خـوردن دارد. در جبهـهٔ امـام

www.SID.ir

Archive of SID

پایدارماندن، اهانت‌ها و جوسازی‌ها را به‌دنبال دارد. این مظلومیت نزد خداوند پذیرفته‌تر است از آنکه ظالم و ستمگر در آستان خدا حاضر شویم؛ ازاین‌رو برای اینکه در گرداب فتنه غرق نشویم، امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

«الطَّاعَةِ وَ اقْدَمُوا عَلَى اللهِ مَظْلُومِينَ وَ لَاتَقْدَمُوا عَلَيْهِ ظَالِمِينَ»؛ «و بر خدا، ستمدیده وارد شوید، نه ستمگر.» (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۵۱)

مفهوم این سخن آن نیست که تن به ظلم بدهید و تسلیم ظالم شوید؛ زیرا این کار از نظر اسلام ممنوع و نوعي كمك به ظالم و همکاری بر گناه است؛ بلکه منظور، مظلوميتي است توأم با تشخیص درست و تلاشي درحد تکلیف و جهاد در راه خدا، تحت لوای حق و قطعاً با آن مظلومیتی که ظالم را تقویت می‌کند و ظلم را در جامعه می‌گستراند، تفاوت دارد. حق‌تعالی ظالم و مظلوم مقصر، هر دو را نمی‌پسندد. گاهی حضور در جبههٔ حق، موجب پایمال‌شدن حقوق فردی و شخصي انسان می‌شود. این مظلومیت، خوشایند حضرت حق است و حضور با این حال نزد او، زیبندهٔ مؤمنان است.

برخي گفته‌اند منظور این است که اگر برسر دو راهی قرار گرفتید که یا حقوق مردم را بگیرید یا حق شما را ببرند، ترجیح دهید که از حق خود بگذرید تا به ظلم بر دیگران آلوده نشوید. با توجه به قاعدهٔ مقدم‌کردن اهم بر مهم این کار برنامه‌ای عادلانه و خداپسندانه است. (مکارم شیرازی،۳۷/۶)

برخي دیگر گفته‌اند:

منظور این است که اگر قدرت یافتید که ظلم و ستمگری کنید، دست از آن بازدارید هرچند این خودداری از ستمکاری، موجب پذیرش ظلم و تن‌دادن به آن باشد. (ابن‌میثم،۴۶۹/۴)

www.SID.ir

Archive of SID

۳. حوزهٔ رفتاری

۱.۳. افزایش بصیرت

بصیرت سلاحی است روشن و مطمئن در تاریکی‌های فتنه که در پناه آن می‌توان از تنگنای سهمگین و گمراه‌کنندهٔ فتنه‌ها گریخت. در آموزه‌های دینی، زیرکی و کیاست از جمله صفات و ویژگی‌های مؤمن دانسته شده است: «المؤمن کیّس عاقل» (تمیمی‌آمدی، ح ۱۵۱۲) ازاین‌رو، انسان مؤمن همواره باید در هر موقعیتی هوشمندانه گام بردارد و در تصمیم‌گیری‌ها، از بصیرت و درایت خود بهره گیرد. در هنگامهٔ فتنه‌ها و مشوش‌شدن افکار و باورهای مردم و در پی آن برآشفته‌شدن جامعه، کیاست و زیرکی ضروری است.

رهبر معظم انقلاب بصیرت را قطب‌نمای حرکت صحیح و شاخص راه معرفی می‌کند:

«در جاده همیشه باید شاخص مدنظر باشد؛ اگر شاخص را گم کردید، زود اشتباه می‌کنید.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲)

ایشان با اشاره به بی‌بصیرتی برخی از اصحاب امیرمؤمنان علیه‌السلام و بیان اینکه که همهٔ آن‌ها مغرض نبودند، فقدان قدرت تحلیل خوارج را عامل بی‌بصیرتی آنها معرفی می‌کنند و همین امر باعث شد آنها شاخص را گم کنند.

اختلاف مسلمانان در تعیین جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرصت‌طلباني چون ابوسفیان را به این طمع خام انداخت که از موقعیت پیش‌آمده برای اهداف خود بهره بگیرند و با جانبداری از امام علی علیه‌السلام نهال تفرقه را بکارند و میوهٔ براندازی نظام نوپای اسلام را بچشند. به‌گمان ابوسفیان، فضای جامعه را گردوغبار فرا گرفته بود که جز با بارش خون فرونمی‌نشست. (ارشاد، ۱۹۹/۶) امام علی علیه‌السلام با بصیرت و هوشیاری درحالی‌که به بقای اسلام و وحدت جامعه می‌اندیشید، دست رد به سینهٔ او زد و با جمله‌ای آتشین به او گفت:

www.SID.ir

Archive of SID

به خدا قسم که تو جز فتنه‌انگیزی مقصود دیگری نداری و دیرزمانی است که بدخواهی را برای اسلام پیشهٔ خود ساخته‌ای، ما را به خیرخواهی تو حاجت نیست. (طبری، ۴۴۹/۲)

حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ، وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَانْتَفَعَ بِالْعِبَرِ، ثُمَّ سَلَكَ جَدَداً وَاضِحاً يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي؛ انسان بینا کسی است که به‌درستی بشنود و اندیشه کند، سپس، با بینش در آن درنگ کند و از رخدادها پند گیرد و بهره‌مند شود و خود را از پرتگاه نگاه دارد. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۵۳)

آنچه در این فرمایش برجسته است، نتیجهٔ به‌کارگیری بصیرت است که مانع از سقوط در پرتگاه می‌شود. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

فمن تَبَصَّرَ فی الفطنهِ تَبَيَّنَت لَهُ الحكمَهُ؛ آن کس که در هنگام فتنه‌ها بینش داشته باشد، درهای حکمت به‌روی او باز می‌شود. (*نهج‌البلاغه*، حکمت ۳۱)

حضرت امیر علیه‌السلام در جنگ جمل هنگامی که می‌خواهد وسعت و قدرت و فهم و اندیشه‌اش را که پیوسته مددکار حضرت بوده است، به رخ اصحاب جمل بکشد، می‌فرماید:

وانّ معی لِبَصیرتی؛ اما بینش من، همراه من است. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۳۷)

و در جایی دیگر در همین جنگ می‌فرماید:

وانَّ لبصیرتی ما لَبستُ ولا لُبِسَ علیَّ؛ همانا بصیرت با من است، نه حق را از خود پوشیده داشته‌ام و نه بر من پوشیده بود. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۳۷)

امیرمؤمنان علیه‌السلام در خطبهٔ ۱۵۱ هنگام ترسیم فضای فتنه‌خیز و ظلمت‌برانگیز جامعه، که در آن رشتهٔ دین گسسته می‌شود و پایهٔ باورها و اندیشه‌ها متزلزل می‌شود و مردم بر اثر آمیختگی رأی درست و نادرست، راه

www.SID.ir

Archive of SID

گمراهی را درپیش‌می‌گیرند، از گروهی نام می‌برد که می‌توانند از تاریکنای شبهه‌آفرین و ضلالت‌گستر فتنه‌ها بگریزند و اینان زیرکان و هوشیاران‌اند: «تُهربُ منها الاکیاس.»

فتنه‌ها فضای غبارآلودی در جامعه به‌وجود می‌آورند که در آن دیدن و تشخیص راه بسیار مشکل است؛ ازاین‌رو داشتن بصیرت بسیار باارزش به‌نظر می‌رسد. از طرف دیگر فتنه‌ها با آمیختن حق و باطل همراه هستند؛ ازاین‌رو عامل مهمی در مقابل بصیرت هستند. این مانع به‌قدری عظیم است که در طول تاریخ شخصیت‌های بزرگی همچون طلحه و زبیر، عایشه ام‌المؤمنین، محمدبن‌شهاب زهری و ... اسیر این مانع شدند و نتوانستند از آن به‌سلامت بگذرند و لغزیدند. ازاین‌رو این عامل تحقیق و بررسی بیشتری می‌طلبد؛ به‌ویژه زمانی که ما نیز در جامعهٔ خود گرفتار آن هستیم و این موضوع تا جایی پیش رفته است که ذهن‌های بسیاری را مخدوش کرده است. اگر اطلاع‌رسانی کامل از این جریان و سران فتنه نباشد، جامعه هرچه سریع‌تر به‌سوی گمراهی حرکت می‌کند. شاید بتوان گفت آگاهی‌دادن و بصیرت‌بخشی در جامعه راه‌حل بسیار مناسبی در این مسئله باشد، همچنان که در چند سال اخیر، رهبر انقلاب، مکرر از این موضوع سخن به‌میان آورده‌اند. (۸۸/۳/۶-۸۸/۷/۱۵-۸۸/۸/۱۲-۸۸/۹/۴-۸۸/۱۰/۱۹-۸۸/۱۲/۶-۸۸/۱۲/۲۹)

۲.۳. ثابت‌قدم‌بودن بر مبنای اعتقادی

اگر فتنه‌گران از راه ایجاد بدعت در دین کار خود را پیش می‌برند، پس راه مبارزه با آن و خشک‌کردن ریشه‌های وقوع فتنه، تقویت بنیه‌های اعتقادی و دینی مردم است تا در هنگامهٔ فتنه بر مبنای اعتقادی خود پایبند باشند. اگر در

www.SID.ir

Archive of SID

خداشناسي مردم ضعف وجود داشته باشد، به تبع آن، ايـن ضـعف در سـطحي شديدتر در دين‌شناسي و پيامبرشناسي افـراد نمايـان خواهـد شـد، بـه‌تبع آن به‌صورتی قوی‌تر و مخرب‌تر در امام‌شناسی نیز نمود پیدا مي‌کند.

پس زماني كه گردوغبار تبليغات سرسام‌آور فتنه‌گران برمي‌خيزد؛ امر مشتبه مي‌شود و تاريكي مسلط مي‌شـود تـا حـق معلـوم نشـود، در نتيجـه همچـون شب‌كور از ديدن می‌مانيم. در چنين وضعی عقيده به خدا و حركت به سـوی او استقامت می‌خواهد. اين‌ها همان تعابير امام علی علیه‌السلام است كـه در جای‌جـای *نهج‌البلاغه* می‌فرمايند:

الِاسْتِقَامَةَ الِاسْتِقَامَةَ ثُمَّ الصَّبْرَ الصَّـبْر؛ اسـتقامت! اسـتقامت! آنگـاه بردبـاری! بردباری. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۷۶)

و در جای ديگر می‌فرمايد:

وَ تَثَبَّتُوا فِـي قَتَـامِ الْعِشْـوَةِ وَ اعْوِجَـاجِ الْفِتْنَـةِ عِنْـدَ طُلُـوعِ جَنِينِهَـا وَ ظُهُـورِ كَمِينِهَـا؛ در فتنـه‌های درهم‌پيچيـده، بـه‌هنگام پيـدايش نـوزاد فتنـه‌ها و آشكارشـدن بـاطن آن‌هـا و برقرارشـدن قطـب و مـدار آسـياب آن‌هـا، بـا آگاهی قدم برداريد. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۵۱)

در هنگام فتنه‌ها بايد بر اعتقاد خود ثابت‌قدم بود و از رهبری پيروی كرد، نه اينكه با ديدن كم‌ترين حركت مخالف و فتنـه‌ای، بـر پاشـنه‌ها بچـرخيم و به‌سـوی فتنـه‌ها گرايش يابيم يا استواری خويش را از دست بدهيم. يكي از راه‌هـاي ثابت‌قـدم‌بودن، پيروی از رهبری است كه تجسم هدايت الهی و افشاگر فتنه‌ها و فتنه‌گران باشد.

۳.۳. حفظ وحدت و پيرو قوانين الهی بودن

اجتماع برای وحدت پيداكردن، زمينه‌های مشترك را می‌يابد و بر آن پيمان می‌بندد و استوار می‌شود تا تفرقه‌اندازان موفق به ايجاد شـكاف نشـوند. آنچـه سبب به‌هم‌پيوستگی و وصل جماعت می‌شود و وحـدت ايجـاد می‌كنـد، بايـد

www.SID.ir

Archive of SID

محترم شمرده شده و رعایت شود تا فتنه‌گران موفق به ایجاد فتنه نشوند. امام علي عليه‌السلام مردم را هنگام فتنه به حفظ وحدت و دوری از پراکندگی و اختلاف دعوت می‌کنند و می‌فرمایند:

وَ عَرِّجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمُنَافَرَة؛ از اختلاف و پراکندگی و دشمنی کناره‌گیری کنید. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ۵)

و در جای دیگر می‌فرمایند:

وَ الْزَمُوا مَا عُقِدَ عَلَيْهِ حَبْلُ الْجَمَاعَةِ وَ بُنِيَتْ عَلَيْهِ أَرْكَانُ الطَّاعَة؛ آنچه پیوند امت اسلامی بدان استوار و پایه‌های طاعت بر آن پایدار است، بر خود لازم شمارید. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۵)

طبق فرمایش امام علي عليه‌السلام وحدت در حرف حاصل نمی‌شود؛ بلکه در عمل ایجاد می‌شود و اینجاست که می‌فرماید: «الزموا» یعني عمل کنید، لازم بشمارید، مقیّد شوید به آنچه وحدت مسلمین را ایجاد می‌کند. خیلي از افراد هستند که دم از وحدت می‌زنند و آن را سلاحي برای سلاخی کرده‌اند! آن را شعاری در جهت تفرقه‌افکنی قرارداده‌اند! کلمهٔ حقي را می‌گویند و هدف باطلی را در آن جست‌وجو می‌کنند. (مؤسسهٔ فرهنگی هنری قدر ولایت،۱۵۳)

منظور از آنچه پیوند جماعت به آن گره خورده، آن است که تا می‌توانیم قوانین و دستورات الهي را که ضامن بقای جامعهٔ اسلامی و اطاعت پروردگار است، حتي در گیرودار فتنه‌ها، محترم بشماریم؛ چراکه اگر راه نجاتی از فتنه باشد، پیروی از این دستورات است. این سخن مخصوصاً برنامه‌هایی همچون جمعه و جماعت و حج و کمك به محرومان و ستمدیدگان را شامل می‌شود؛ چراکه حفظ آن‌ها سبب نجات از فتنه‌هاست. (مکارم شیرازی،۶/ ۳۷)

www.SID.ir

Archive of SID

۴.۳. دوری از صف فتنه‌گران

فتنه برای رشد و توانایی خود نیاز بـه انسـان‌هایی دارد کـه وسـیلهٔ رشـد بشوند؛ درواقع برای فتنه بازو و برای بدعت پذیرنده و اشاعه‌دهنده باشند. امام علی علیه‌السلام این خطر را هشدار می‌دهند و می‌فرمایند:

فَلَا تَكُونُوا أَنْصَابَ الْفِتَنِ وَ أَعْلَامَ الْبِدَعِ؛ نشانه‌ها و پرچم فتنه نباشید و درفـش بدعت نگردید. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۵۱)

از تعبیر «پرچم فتنه نباشید» متوجه می‌شویم که منظور از پرچم همان افراد هستند؛ یعنی عوامل برپایي و استقامت، وجود افراد هستند، چراکـه همیشـه در جنگ‌ها برپایی پرچم، نشانهٔ مقاومت و سقوط درفش، نشـانهٔ شکسـت اسـت. پس اگر مردم تن به فتنه ندهند و دین خود را به بدعت‌گذاران نفروشند، فتنه‌گر و بدعت‌گذار سقوط خواهد کرد و توانمند نخواهد شد.

۵.۳. پیروی‌نکردن از خطوات شیطان

شیطان نخستین منشأ و عامل ارتداد و انحراف مؤمنان به‌شـمار مـی‌رود. از آغاز آفرینش انسان، شیطان همواره کوشیده است تا انسان را از مسیر توحید و دین الهی منحرف کند، چنانکه قرآن در آیاتي بي‌شـمار ایـن هـدف را از زبـان خود او بیان کرده است؛ از جمله: ﴿**قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ*إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ**﴾؛ [شیطان] گفت: پس به عزّت تو سوگند که همگی را جدّا از راه به در می‌برم*مگر آن بندگان پاکدل تو را. (ص،۸۳-۸۲)

حضرت امیر علیه‌السلام در بیان ویژگی‌های شیطان چنین بیان می‌کنند:

اعْتَرَتْهُ الْحَمِيَّةُ وَ غَلَبَتْ عَلَيْـهِ الشِّـقْوَةُ وَ تَعَـزَّزَ بِخِلْقَـةِ النَّـارِ وَ اسْـتَوْهَنَ خَلْـقَ الصَّلْصَالِ فَأَعْطَاهُ اللهُ النَّظِرَةَ اسْتِحْقَاقاً لِلسُّخْطَةِ وَ اسْتِتْمَاماً لِلْبَلِيَّةِ وَ إِنْجَازاً لِلْعِـدَةِ

www.SID.ir

Archive of SID

فَقَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوم؛ غرور و خـودبزرگ‌بيني او را گرفت و شقاوت و بدی بر او غلبه کرد و به آفـرينش خـود از آتـش افتخـار نمود و آفرينش انسان از خاك را پسـت شـمرد. خداونـد بـرای سـزاواربودن شيطان به خشم الهی و برای کامل‌شدن آزمايش و تحقق وعده‌ها، به او مهلـت داد و فرمود: تا روز رستاخير مهلت داده شده‌ای. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱)

امام علی علیه‌السلام ما را از گام‌های شيطان که تفرقه را القا می‌کند برحذر می‌دارد و می‌فرمايند:

وَ اتقوا مَدَارِجَ الشَّيْطَانِ وَ مَهَابِطَ الْعُـدْوَانِ؛ بپرهيزيـد از راه‌هـای شـيطان و از مکان‌های ظلم دوری کنيد. (*نهج‌البلاغه*، خطبهٔ ۱۵۱)

در اينجا امام علي علیه‌السلام ما را از عمل‌کردن همانند شيطان و قرارگرفتن در راه او و رهروی او و از رفتن به مکان‌های گناه، مکان‌هايی که وسوسـه و شـبهه و بدعت و نافرمانی و تفرقه را به دل‌ها و ذهن‌ها القا می‌کنـد، برحـذر می‌دارنـد. مراد از مدارج‌الشيطان، راه‌های شيطان است و اين راه‌ها همان صفات زشـت و خوی‌های ناپسندی است که شيطان آن‌ها را خوب و پسنديده جلوه داده اسـت و مردم را به سوی خود می‌کشاند. مراد از مهابط‌العدوات محل‌هايی اسـت کـه شيطان در آن فرود مي‌آيد و انسان‌ها را به تعـدی و سـتمکاری وامـی‌دارد کـه اين‌ها نيز از جمله راه‌های شيطان است. (ابن‌ميـثم،۴/ ۴۶۹) تعبيـر بـه مـدارج (پله‌ها) و مهابط (سراشيبي‌ها) اشاره به نکتهٔ لطيفي است؛ يعني شيطان انسان را از پله‌های طغيان بالا مي‌برد و هنگامي که به اوج رسيد، او را به پـايين پرتـاب مي‌کند و گاه به کنار دره‌های گناه می‌کشاند تا پايش بلغزد و در اعمـاق کبـائر سقوط کند. (مکارم شيرازی،۶/ ۳۷)

www.SID.ir

Archive of SID

نتیجه‌گیری

فتنه ایجاد آشوب و سلب آسایش و آزادي و امنیت از خود و جمعیتي است یا اینکه دو یا چند نفر را به هم بیندازند و دودستگي ایجاد کنند و مردم را در شکنجه و آزار قرار دهند. برای درامان‌بودن از گرداب فتنه، پس از شناخت فتنه، باید راه‌های درامان‌ماندن و مبارزه با آن را فراگرفت.

از منظر امام علی علیه‌السلام تمسک به قرآن به‌عنوان شفای دردمندان؛ تمسک به اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌منزلهٔ مفسران واقعی قرآن و کشتی‌های نجات و تقوا همانند دژی محکم در برابر فتنه‌ها که باعث افزایش بصیرت می‌شود؛ خودِ بصیرت به‌عنوان سلاح کارآمد عبور از فتنه‌ها و ثابت‌قدم‌بودن بر مبانی اعتقادی که مستلزم صبر و استقامت است؛ حفظ وحدت و پیرو قوانین الهی بودن که ضامن بقای جامعه اسلامی است؛ پیش خدا مظلوم حاضرشدن که از قاعدهٔ تقدیم اهم بر مهم نشئت می‌گیرد؛ دوری از صف فتنه‌گران که پایه‌های فتنه است؛ پرهیز از غرور به‌هنگام برخورداری از نعمت‌ها و رفاه‌طلبی؛ پرهیز از کینه‌کشی که زمینه‌ساز تفرقه و نابودکنندهٔ همه چیز است؛ پرهیز از خودبرتربینی که ریشهٔ اصلی جنگ‌های خونین بوده است؛ پرهیز از مال حرام که انسان را از نظر جسمی و روحی آلوده می‌کند و بالأخره پیروی‌نکردن از خطوات شیطان که منشأ تمام انحراف‌ها و ارتدادها است؛ از جمله مهم‌ترین راهکارهایی هستند که دانستن همراه با عمل به‌موقع به آن‌ها در زمان فتنه، کارساز خواهد بود.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

۱. *قرآن مجید*.

۲. سید رضی، *نهج‌البلاغه*، ترجمهٔ دشتی.

۳. آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلي، *پرتوی ولایت (دفتر بیست و ششم «بصیرت نافذ»)*.

۴. تميمي آمدی، عبدالواحد، ۱۳۷۳، *غررالحکم و دور الکلم*، مقدمه و تصحیح میرجلال‌الدین حسین ارموی (محدث).

۵. جعفری، محمدتقي، ۱۳۷۲، *ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه*، تهران.

۶. حسینی استرآبادی، سیّد شرف‌الدین، *علی*،۱۴۰۹، *تاویل الایات الظاهره*، قم.

۷. حسینی شیرازی، سیّدمحمد، ۱۴۲۳، *تبیین القرآن*، بیروت.

۸. حسین‌بن‌محمدبن‌فضل، ابوالقاسم،۱۳۷۵، *المفردات في غریب القرآن*، ترجمهٔ غلامرضا خسروی حسیني، تهران.

۹. حیدري، علیرضا، ۱۳۸۷، *فتنه و راه‌های گریز از آن‌ها*، معرفت.

۱۰. دستغیب شیرازي، سید عبدالحسین، ۱۳۵۳، *گناهان کبیره*، بي‌جا: فراهاني.

۱۱. ری‌شهری، محمد، ۱۳۵۸، *میزان الحکمه*، قم.

۱۲. شبرّ، سید عبدالله، *الاخلاق*، ۱۳۸۴، ترجمهٔ محمدرضا حباران، قم.

۱۳. شریفي، احمدحسین، ۱۳۸۸، *موج فتنه از جمل تا جنگ نرم*، تهران.

۱۴. طباطبایي، محمدحسین، ۱۳۸۷، *المیزان في تفسیر القرآن*، ترجمهٔ سید محمدباقر موسوي همداني، قم.

۱۵. طبرسي، شیخ ابوعلي فضل‌بن‌حسن، بي‌تا، *مجمع‌البیان في تفسیر القرآن*، ترجمهٔ علي کرمي، بي‌جا: فراهانی.

۱۶. طبری، محمدبن جریر، *بی‌تا*، *تاریخ الطبری (تاریخ الامم والرسل و الملوک)*، قاهره.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۷. فراهيدي، الخليل‌بن‌احمد (ابن‌منظور)، ۱۴۲۵، *ترتيب كتاب العين*، قم.

۱۸. كليني، ابواسحاق محمدبن‌يعقوب،۱۳۶۵، *اصول كافي*، تهران.

۱۹. گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸، *تفسیر بیان الساده فی مقامات العباده*، ج ۱، بیروت.

۲۰. مصباح یزدی، محمدتقي، ۱۳۷۹، *قرآن در آینهٔ نهج البلاغه*، قم.

۲۱. مطهری، مرتضي، ۱۳۵۸، *سیری در نهج‌البلاغه*، تهران.

۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۱، *پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام*، تهران.

۲۳. موسسهٔ فرهنگي قدر ولايت،۱۳۸۸، *فتنه و فتنه‌گران با نگاهي به نهج‌البلاغه امام علي علیه‌السلام*، تهران.

۲۴. ميرزايي، نجفعلي،۱۳۷۷، *فرهنگ اصطلاحات معاصر*، قم.

۲۵. ميثم‌بن‌علي‌بن‌ميثم بحرانی، كمال‌الدين، ۱۳۸۵، *ترجمه و شرح نهج‌البلاغهٔ ابن‌ميثم*؛ سيد محمدصادق عارف و قربانعلي محمدی مقدم، مشهد.

www.SID.ir